

ارزیابی نقش طلاق رجعی در حفظ کانون خانواده

با نقدی بر سیاست تقنینی و قضایی¹

میثم خزائی^۲

راضیه شجاعی^۳

چکیده

طلاق رجعی، طلاقی است که مرد در زمان عده، با رجوع به زوجه می‌تواند به نکاح سابق برگردد. در مورد نقش طلاق رجعی در کاهش فروپاشی خانواده، مباحثی مطرح گردیده است که پژوهش حاضر به دنبال بررسی نقش مذکور و ارزیابی سیاست تقنینی و قضایی در طلاق رجعی است. با بررسی ادله قرآنی و روایی، طلاق رجعی از جمله دقت نظرهای شرع اسلام، جهت جلوگیری از فروپاشی خانواده است؛ البته با این قید که رجوع زوج به زوجه با نیت خیر و سازش باشد؛ یقیناً رجوع زوج به قصد اضرار به زوجه، تأثیر مثبتی در حفظ خانواده ندارد. براین اساس، شارع، حق رجوع را حداکثر برای دو بار مجاز دانسته است تا از سوءاستفاده مرد جلوگیری کند. قانون‌گذار ایران نیز، به طلاق رجعی پرداخته است؛ اما در باره برخی احکام آن مانند سکونت زوجه مطلقه در منزل مشترک، یا سکوت کرده، یا دقت لازم مبذول نداشته است. در محاکم دادگستری نیز با عنایت به نحوه رابطه زوجیت، آگاهی زوجین از تشریفات طولانی طلاق رجعی و رفتار قضات، اکثر طلاق‌های صادر شده، طلاق بائن و از نوع خلع است که نیاز است این رویه با توجه به شرایط طلاق رجعی اصلاح گردد.

واژگان کلیدی

خانواده، طلاق، رجوع، طلاق رجعی

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱۱/۱؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۳/۱۳

۲- استادیار گروه حقوق دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی، بروجرد، خرم‌آباد، ایران (نویسنده مسئول)
meisam.khazaee@abru.ac.ir

۳- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فقه و حقوق اسلامی دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی، بروجرد، خرم‌آباد، ایران
dnesh39063@gmail.com

بیان مسأله

در بین تمام نهادهای اجتماعی، خانواده نقش و اهمیت بسزایی در جامعه دارد. به درستی هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند ادعای سلامت کند، اگر از خانواده‌هایی سالم برخوردار نباشد (ساروخانی، ۱۳۷۰، ص ۱۱). بر این اساس، حاکمان جوامع تمام تلاش خود را در حوزه‌های مختلف قانون‌گذاری، فرهنگی و... به کار می‌بندند تا خانواده‌های شکل گرفته به راحتی از هم نگسلند و از تعداد طلاق‌ها کاسته شود. شرع اسلام نیز به عنوان یکی از مکاتب الهی، علاوه بر تأکید فراوان بر شکل‌گیری خانواده و مذمت طلاق به عنوان اَبْغَضِ الْحَلَالِ، راهکارهای فراوانی در جلوگیری از فروپاشی خانواده ارائه کرده است.

یکی از احکام خانواده در شرع اسلام طلاق رجعی است که در مورد نقش آن در کاهش فروپاشی خانواده، دیدگاه‌هایی مطرح گردیده است. طلاق رجعی، طلاقی است که طلاق دهنده در دوران عده، حق رجوع به زن را دارد، خواه رجوع بکند یا رجوع نکند^۱ (عاملی، ۱۴۱۰ هـ ص ۱۹۴).

با توجه به توضیحات فوق، این سؤال مطرح می‌شود که طلاق رجعی تا چه اندازه می‌تواند در حفظ کانون خانواده و جلوگیری از فروپاشی آن مؤثر باشد؟

در برابر سؤال فوق، فرضیه نقش اساسی طلاق رجعی در کاهش موارد فروپاشی طلاق، در صورت رجوع زوج به زوجه با نیت خیر و سازش و اصلاح امور زن، مطرح و مورد بررسی قرار گرفته است.

به دلیل نقش زیاد خانواده در سلامت جامعه و پیامدهای فراوان از هم پاشیدگی این نهاد، بررسی راهکارهای جلوگیری از این فروپاشی دارای اهمیت بسزایی است. از سوی دیگر، افزایش چشمگیر طلاق در سال‌های اخیر، این ضرورت را ایجاد می‌کند که هر چه بیشتر به پژوهش در مورد خانواده و استحکام آن پرداخته شود. بر این اساس پژوهش حاضر با روش کیفی به توصیف و تحلیل طلاق رجعی با نگرش راهکاری برای حفظ کانون خانواده می‌پردازد که پژوهش مستقلی به این مسأله نپرداخته است.

۱- و هو ما للمطلق فيه الرجعه سواء رجع أو لا.

مفهوم‌شناسی مصطلحات

جهت تبیین دقیق محل بحث نیاز است اصطلاحات زیر معناشناسی گردند:

۱- طلاق

طلاق در لغت از ریشه طَلَّقَ در دو معنای گشودن گره نکاح، ترک کردن و واگذاشتن به کار می‌رود/زیبیدی، ۱۴۱۴هـ ج ۱۳، ص ۳۰۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴هـ ج ۱۰، ص ۲۲۶؛ ابن اثیر، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۳۵. در اصطلاح شرعی، طلاق عبارت از زایل کردن قید و پیوند نکاح با صیغه مخصوصی است (نجفی، ۱۴۰۴هـ ج ۳۲، ص ۲؛ شهیدثانی، ۱۴۱۰هـ ج ۶، ص ۱۱؛ خواجه‌نوی، ۱۴۱۸هـ ص ۱۴۲). در اصطلاح حقوقی، طلاق به جدا شدن زوجین به سبب انحلال نکاح دایم و با رعایت شرایط و تشریفات خاص تعریف شده است (بازری فومشی، ۱۳۸۵، ص ۲۷۸-۲۷۷).

۲- رجوع

رجوع در لغت مصدری لازم به معنای برگشتن است (ابن منظور، ۱۴۱۴هـ ج ۸، ص ۱۱۴). رجوع در اصطلاح شرعی، عبارت است از بازگشت مرد در زمان عده به نکاح سابق، زمانی که طلاق غیر بائن باشد (جبعی عاملی، ۱۴۱۳هـ ج ۹، ص ۱۸۴) و در اصطلاح حقوقی، رجوع نوعی ایقاع است که به وسیله اراده مرد استوار می‌شود و با برگشت او، زوجیت به شکل قبلی خود واقع می‌شود (بازری فومشی، ۱۳۸۵، ص ۳۱۳).

نحوه رجوع در طلاق رجعی

مطابق با ماده ۱۱۴۹ قانون مدنی، رجوع در طلاق به هر لفظ یا فعلی که دلالت بر رجوع کند، حاصل می‌شود، البته مشروط به این که مقرون به قصد رجوع باشد. با توجه به ماده مذکور رجوع به دو گونه محقق می‌شود:

۱- رجوع لفظی، که با لفظ صورت گیرد؛ مانند آن که زوج بگوید "رجعت، ارتجعت" همراه

۱- و شرعاً إزالة قید النکاح بصیغته "طالق" و شبهها.

با ضمیری که به زن بر می‌شود.

۲- رجوع فعلی، که به وسیله فعل انجام می‌شود؛ مانند بوسیدن، نزدیکی کردن، لمس کردن. این افعال دلالت بر رجوع می‌کند و چه بسا دلالتش بر رجوع قوی‌تر باشد. البته مباح بودن این افعال متوقف بر آن نیست که مرد قبلاً رجوع کرده باشد؛ چون مطلقه رجعیه در ایام عده، زوجه مرد است (جبعی عاملی، ۱۴۱۰هـ ج ۶، ص ۵۰؛ عاملی، ۱۴۱۱هـ ج ۲، ص ۷۱؛ سبزواری، ۱۴۲۳هـ ج ۲، ص ۳۴۶).

در رجوع به مطلقه رجعیه، مشهور فقها اعتقاد دارند که قصد فعل کافی است/نجفی، ۱۴۰۴هـ ج ۲۳، ص ۱۸۰؛ عاملی، ۱۴۱۱هـ ج ۲، ص ۷۱). اطلاق احادیث نیز دلالت بر آن دارد؛ از جمله روایت محمد بن قاسم از امام صادق علیه السلام که فرمود: هرکس با زوجه مطلقه خویش پس از انقضای عده نزدیکی کند، حد زنا بر وی جاری خواهد شد و چنانچه قبل از انقضای عده نزدیکی کند، عمل نزدیکی رجوع محسوب است (حر عاملی، ۱۴۰۹هـ ج ۲۸، ص ۱۳۲-۱۳۱).

گروه دیگری از فقها اعتقاد دارند که علاوه بر قصد فعل، قصد نتیجه یا همان قصد رجوع باید وجود داشته باشد (قزوینی، ۱۴۱۴هـ ص ۳۲۴). پس استمتاع زوج از زوجه در عده بدون قصد رجوع نمی‌تواند دلیل رجوع باشد؛ مگر این که با توجه به اوضاع و احوال و پس از رسیدگی، قصد رجوع احراز شود. قانون‌گذار در ماده ۱۱۴۹ قانون مدنی^۱، همین نظر را پذیرفته است.

با توجه به اطلاق احادیث، به نظر می‌رسد دیدگاه مشهور اقرب به واقع است؛ همان گونه که نظر قانون‌گذار نیز مورد نقد استادان حقوق قرار گرفته است و عنوان می‌شود که بهتر بود قانون‌گذار استمتاع در عده را اماره قصد رجوع بشمارد تا دادگاه‌ها به این اماره عرفی استناد نمایند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶، ص ۲۶۸-۲۶۷).

۱- مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ مَنْ غَشِيَ امْرَأَتَهُ بَعْدَ انْقِضَاءِ الْعِدَّةِ جُلِدَ الْحَدَّ - وَ إِنْ غَشِيَهَا قَبْلَ انْقِضَاءِ الْعِدَّةِ - كَانَ غَشِيَانُهَا إِيَّاهَا رَجْعَةً.

۲- «رجوع در طلاق به هر لفظ یا فعلی حاصل می‌شود که دلالت بر رجوع کند مشروط بر این که مقرون به قصد رجوع باشد».

احکام طلاق رجعی

با تحقق طلاق رجعی، در دوران عده تکالیفی بر عهده زن و مرد می‌آید، که در ادامه - به دلیل اهمیتی که این تکالیف دارند - به توضیح مختصری در مورد آنها می‌پردازیم:

۱- زندگی در منزل زوج؛ مطابق با آیه ۱ سوره طلاق، زن در دوران عده باید در منزل مرد زندگی کند؛ بر اساس نظر فقیهان، آیه ظهور در حرمت دارد؛ بر این اساس، بر زن حرام است که در ایام عده رجعی از منزل مرد خارج شود و بر مرد نیز حرام است که او را از منزل بیرون کند؛ مگر آن که مرتکب فاحشه و یا حتی آزار دادن خانواده زوج برآید. همچنین حرمت خروج در صورتی است که ضرورتی آن را ایجاب نکند. در غیر این صورت، زن می‌تواند بعد از نیمه شب از منزل خارج گردد و قبل از طلوع فجر به منزل برگردد/حلی، ۱۴۰۸هـ ج ۳، ص ۳۱؛ جبعی عاملی، ۱۴۱۰هـ ج ۶، ص ۷۴-۷۶، ۷۳؛ طوسی، ۱۴۰۰هـ ص ۵۳۵-۵۳۴؛ علامه حلی، ۱۴۱۳هـ ج ۷، ص ۴۷۳).

نکته دیگری که قابل ذکر است، بنا بر اقوی خارج شدن از منزل بر زن مطلقاً حرام است، چه زوجین بر آن توافق داشته باشند و چه نداشته باشند پس اگر زوجین هر دو توافق داشته باشند که زوجه در این مدت به منزل والدین خود برود، حرمت خروج برطرف نمی‌شود؛ زیرا براساس ظاهر آیه فوق الذکر، حرمت خروج از خانه حق خداوند متعال است نه حق زوجین/حلی، ۱۴۲۴هـ ج ۲، ص ۱۲۱؛ حلی، ۱۴۱۰هـ ص ۲۸۵؛ جبعی عاملی، ۱۴۱۳هـ ج ۹، ص ۳۱۴).

در قوانین ایران، قانون‌گذار در قانون مدنی و قانون حمایت خانواده، در خصوص سکونت زوجه در منزل زوج در دوران عده طلاق رجعی، صراحتاً ماده قانونی تصویب نکرده است؛ اما از آن جا که مطلقه رجعی در دوران عده در حکم زوجه است و نیز از روح ماده ۱۱۱۴ قانون مدنی^۱ و از تبصره ۴ ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق^۲ و همچنین ماده ۳۸ قانون حمایت خانواده که ثبت طلاق رجعی را منوط به ارائه

۱- «زن باید در منزلی که شوهر تعیین می‌کند سکنی نماید، مگر آن که اختیار تعیین منزل به زن داده شده باشد».

۲- البته در حال حاضر به موجب بند ۸ ماده ۵۸ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ همه این ماده واحده به جز بند "ب" تبصره ۶ نسخ صریح شده است.

گواهی کتبی حداقل دو شاهد مبنی بر سکونت زوجه مطلقه در منزل مشترک تا پایان عده دانسته است، قابل استنباط است که مطلقه رجعیه نیز باید در دوران عده در منزل زوج زندگی کند.

با وجود این، در برخی حالات زوجه می‌تواند منزل مستقل داشته باشد؛ با توجه به این که مطلقه رجعیه در حکم زوجه است، این استثنایها در مورد مطلقه رجعیه نیز اعمال می‌شود:
الف- مختار بودن زوجه در انتخاب مسکن؛ به موجب ماده ۱۱۱۴ ق.م.ا، اگر اختیار تعیین منزل به زوجه داده شده باشد، زوجه می‌تواند در منزلی که خود مایل است سکونت کند و از این حیث، زوج نمی‌تواند او را منع کرده، ناشزه تلقی کند(بلادی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۹).

ب- خوف ضرر جانی یا مالی برای زوجه؛ به موجب ماده ۱۱۱۵ ق.م.ا اگر بودن زوجه با زوج در یک منزل متضمن خوف ضرر جسمی یا مالی یا شرافتی برای زوجه باشد، زوجه می‌تواند مسکن علی‌حده اختیار کند و در صورت ثبوت مظنه ضرر مزبور، محکمه حکم بازگشت به منزل زوج نخواهد داد و تا زمانی که زوجه از بازگشت به منزل زوج معذور باشد، نفقه او بر عهده زوج خواهد بود(همان، ص ۱۲۰).

۲- پرداخت نفقه؛ هنگامی که مرد زن خویش را به صورت رجعی طلاق دهد، در دوران عده زن که معمولاً سه طهر است، باید نفقه او را بپردازد(طاهری، ۱۴۱۸هـ.ج، ص ۲۸۴؛ امامی، بی‌تا، ج ۵، ص ۹۲؛ موسوی خویی، ۱۴۱۰هـ.ج، ص ۳۰۲؛ سبزواری، ۱۴۱۳هـ.ج، ص ۱۶۵-۱۶۲).

دلیل حکم مذکور را می‌توان آیه ۶ سوره طلاق دانست. خداوند متعال در این آیه می‌فرماید: «زنان طلاق داده را [تا پایان عده] به اندازه توانگری خود آنجا سکونت دهید که خود سکونت دارید و به آنان آسیب و زیان نرسانید تا زندگی را بر آنان سخت و دشوار کنید و اگر باردار باشند، هزینه آنان را تا زمانی که وضع حمل کنند، بپردازید». مطابق با نظر مفسران، آیه مذکور دلالت بر پرداخت نفقه در دوران عده دارد(طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۶، ص ۲۹۸-۲۹۷؛ دینوری، ۱۴۲۴هـ.ج، ص ۴۱۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۴۶۳؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸هـ.ج، ص ۲۷۵؛ میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۱۰، ص ۱۴۵-۱۴۴).

همچنین در این باره روایات متعددی از ائمه(علیهم السلام)، صادر گردیده است که از

۱- «أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مَنْ وَجَدِكُمْ وَلَا تُضَارُوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ ...».

جمله می توان به روایات زیر اشاره کرد:

۱- عبد الله بن الحسن العلوی از امام موسی کاظم علیه السلام روایت کرد که از امام علیه السلام درباره مطلقه سؤال کردم که آیا تا زمانی که مدت عده زن منقضی شود، زوج باید نفقه زوجه را بپردازد؟ امام فرمود: آری ^(حمیری، ۱۳۱۴ هـ. ص ۲۵۴).

۲- زراره از امام صادق علیه السلام روایت کرد که در مطلقه به سه طلاق، نفقه‌ای برای زوجه نیست؛ تنها برای زوجه‌ای نفقه وجود دارد که زوج به زوجه رجوع کند ^(کلینی، ۱۴۰۷ هـ. ج ۷، ص ۱۰۴).

قانون‌گذار نیز به تبعیت از نظر فقیهان در ماده ۱۱۰۹ قانون مدنی مقرر می‌دارد: « نفقه مطلقه رجعیه در زمان عده بر عهده شوهر است مگر این که طلاق در حال نشوز واقع شده باشد؛ لیکن اگر عده از جهت فسخ نکاح یا طلاق بائن باشد، زن حق نفقه ندارد؛ مگر در صورت حمل از شوهر خود که در این صورت تا زمان وضع حمل حق نفقه خواهد داشت».

مطابق با ظاهر آیه هرگاه زن از همسر خود تمکین نکند، ناشزه محسوب می‌شود و مستحق دریافت نفقه نیست. بدیهی است زنی که در حال نکاح، مستحق نفقه نیست، در حال عده طلاق رجعی نیز به طریق اولی استحقاق نفقه را نخواهد داشت ^(بلادی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۵).

۳- توارث، هرگاه زن به طلاق رجعی، طلاق داده شود و در زمان عده یکی از زوجین فوت کند، دیگری از او ارث می‌برد؛ چون رابطه زوجیت تا انقضای عده ادامه دارد؛ ولی اگر بعد از عده رجعیه یکی از زوجین بمیرد، دیگری از او ارث نمی‌برد ^(رفیعی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۹-۱۱۰؛ طاهری، ۱۴۱۸ هـ. ج ۳، ص ۲۸۴؛ امامی، بی تا، ج ۵، ص ۹۳؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۱۴ هـ. ج ۱، ص ۱۱۴).

۱- عَبْدُ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ الْعَلَوِيُّ، عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ، عَنْ أُخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ علیه السلام، قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُطَلَّغَةِ، لَهَا نَفَقَةٌ عَلَى زَوْجِهَا حَتَّى تَنْقَضِيَ عِدَّتُهَا؟ قَالَ: نَعَمْ.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: الْمُطَلَّغَةُ ثَلَاثًا لَيْسَ لَهَا نَفَقَةٌ عَلَى زَوْجِهَا إِذَا لَمْ يَكُنْ لَهَا لِرُجْعِهَا عَلَيْهَا رَجْعَةٌ.

دلیل این حکم را می‌توان احادیث وارده از ائمه اطهار(علیهم السلام)، دانست. به عنوان مثال، می‌توان به روایات زیر اشاره کرد:

الف- عبد الله بن سنان از امام صادق علیه السلام روایت کرد که امیرالمؤمنین علیه السلام درباره مردی که همسرش را طلاق می‌دهد و در مدت عده فوت می‌شود، قضاوت کرد که زن از مرد ارث می‌برد و اگر زن فوت کند مرد از او ارث می‌برد و هر یک از آن دو از دیه یکدیگر ارث می‌برند، اگر یکدیگر را به قتل نرسانده باشند (حر عاملی، ۱۴۰۹ هـ ج ۲۲، ص ۱۵۰-۱۴۹).

ب- محمد بن قیس از امام باقر علیه السلام روایت کرد که مردی همسرش را طلاق می‌دهد و مرد قبل از انقضای عده فوت می‌شود؛ پس زن از مرد ارث می‌برد و عده وفات نگه می‌دارد و اگر زن فوت شود، ارث بردن مرد از زن حرام نیست (همان، ص ۲۵۰).

اصل رجعی بودن طلاق

با توجه به اطلاق و عمومیت آیات و روایات، هرگاه در رجعی یا بائن بودن طلاق تردید شود، اصل رجعی بودن آن است؛ زیرا می‌توان به وسیله اصل عدم، هر یک از طلاق‌های بائن را نفی کرد (طباطبائی یزدی، ۱۴۱۴ هـ ج ۱، ص ۱۱۵).

۱- دلایل: فقیهان و حقوقدانان جهت اثبات مسأله مذکور به دلایل زیر استناد کرده‌اند:

الف- آیه ۲۲۸ سوره بقره: خداوند متعال در آیه مذکور می‌فرماید: «... و همسران آن‌ها در زمان عده، سزاوارتر برای رجوع به آنها هستند»^۳.

۱- وَ عَنْ حُمَيْدٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَضَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فِي رَجُلٍ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ - ثُمَّ تَوَفَّى عَنْهَا وَ هِيَ فِي عِدَّتِهَا - قَالَ تَرْتُهُ - وَ إِنْ تَوَفَّيْتُ وَ هِيَ فِي عِدَّتِهَا - فَإِنَّهُ يَرْتُهَا - وَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا يَرِثُ مِنَ دِيَةِ صَاحِبِهِ - مَا لَمْ يَقْتُلْ أَحَدَهُمَا الْآخَرَ.

۲- وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ أَيُّمَا امْرَأَةٍ طَلَّقَتْ - ثُمَّ تَوَفَّى عَنْهَا رَوْحُهَا - قَبْلَ أَنْ تَنْقُضِيَ عِدَّتَهَا وَ لَمْ تَحْرَمْ عَلَيْهِ - فَإِنَّهَا تَرْتُهُ ثُمَّ تَعْتَدُ عِدَّةَ الْمُتَوَفَّى عَنْهَا رَوْحُهَا - وَ إِنْ تَوَفَّيْتُ وَ هِيَ فِي عِدَّتِهَا - وَ لَمْ تَحْرَمْ عَلَيْهِ فَإِنَّهُ يَرْتُهَا.

۳- « وَ بُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا ... ».

مطابق با ظاهر آیه، همسران زنان در رجوع به آنها در دوران عده نسبت به دیگران اولویت دارند. همان گونه که ملاحظه می‌شود، آیه فوق عمومیت دارد و تمام طلاق‌ها را شامل می‌شود؛ به گونه‌ای که تمام مردانی که همسر خود را طلاق می‌دهند، در دوران عده حق رجوع به مطلقه خود را دارند، مگر مواردی که استثنا شده باشد که در آنها حق رجوعی برای طلاق دهنده وجود ندارد.

ب- روایات: روایات مطرح شده به شرح زیر است:

- محمد بن مسلم از امام صادق ع روایت کرد که در باره مردی که همسرش را طلاق داد، سوال کردم امام ع فرمود: آن مرد در رجوع به زن سزاوارتر است (حر عاملی، ۱۴۰۹ هـ ج ۲۲، ص ۱۳۴).

- اسماعیل جعفی می‌گوید: درباره مردی که همسرش را طلاق می‌دهد، سوال کردم؛ امام ع فرمود: آن مرد در رجوع به همسرش سزاوارتر است تا زمانی که سومین خون حیض را ندیده باشد (همو، ص ۲۰۴).

مطابق با اطلاق روایات، باین بودن طلاق نیاز به قید زاید دارد و با توجه به این که در روایات این قید مطرح نگردیده است، پس باید اصل را بر طلاق رجعی نهاد.

قانون مدنی ایران صراحتاً به اصل رجعی بودن طلاق اشاره نکرده است؛ لکن با توجه به این که در ماده ۱۱۴۵ موارد طلاق باین را ذکر کرده است، این مفهوم برداشت می‌گردد که اصل بر رجعی بودن طلاق است. در این نظر، از فقه امامیه پیروی کرده است.

این نظر را می‌توان در کلام حقوقدانان نیز ملاحظه کرد؛ به عنوان نمونه، دکتر صفایی در این رابطه اظهار می‌دارد: «طلاق رجعی اصل و طلاق باین استثنا محسوب می‌شود و علی القاعده طلاق را جز در مواردی که قانون‌گذار باین اعلام کرده است، باید رجعی به

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ وَاجِدَةً - قَالَ هُوَ أَمْلَكُ بِرَجْعَتِهَا.

۲- وَ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجُبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: قُلْتُ لَهُ رَجُلٌ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ - قَالَ هُوَ أَحَقُّ بِرَجْعَتِهَا - مَا لَمْ تَقَعُ فِي الدَّمِ مِنَ الْحَيْضَةِ النَّالِيَةِ.

شمار آورد) (صفایی، ۱۳۸۷، ص ۲۵۲).

در قوانین احوال شخصیه برخی از کشورهای اسلامی نیز اصل رجعی بودن طلاق مورد پذیرش قرار گرفته است؛ به عنوان مثال، می‌توان به قوانین زیر اشاره کرد:

۱- کویت: در قانون احوال شخصیه شماره ۶۱ مصوب سال ۱۹۹۶م دولت کویت، ماده ۱۱۰ هر طلاقی را رجعی به حساب می‌آورد، مگر طلاق قبل از دخول، طلاق علی‌البدل، طلاق سه گانه و طلاقی که در این قانون بائن مشخص شده باشد مانند طلاق خلع، اقامه دعوی کردن عدم پرداخت نفقه بیش از دو بار و تقاضای طلاق توسط زوجه به علت ضرر و زیان، انقضای مدت عده طلاق رجعی و عدم رجوع زوج می‌باشد.

۲- افغانستان: در قانون احوال شخصیه اهل تشیع افغانستان مطابق ماده ۱۶۲ با ذکر اقسام طلاق، و احصای موارد طلاق بائن در ماده ۱۶۳ اصل رجعی بودن طلاق مورد پذیرش قرار گرفته است.

۳- عراق: در قانون احوال شخصیه عراق، مطابق ماده ۳۸ با تقسیم طلاق، به رجعی و بائن کوچک و بائن بزرگ، اصل رجعی بودن طلاق نیز مورد پذیرش قرار گرفته است.

فلسفه طلاق رجعی

با توجه به نظر شارع مقدس مبنی بر اصل بودن طلاق رجعی، فلسفه و حکمت طلاق رجعی مورد سؤال قرار می‌گیرد که بر اساس چه حکمتی، شارع مقدس این حکم را تشریح کرده است؟

با تأمل در شرایط و احکام طلاق رجعی باید گفت طلاق رجعی و امکان رجوع در دوران عده، فرصتی برای حل اختلافات توسط زوجین و بازگشت به زندگی زناشویی است، تا زوجین سریعاً بدون هیچ گونه دور اندیشی نسبت به عواقب زندگی خود و فرزندان، آن کانون گرم خانوادگی را که براساس علاقه و اشتیاق بنا نهاده‌اند به آسانی از هم نگسلند، و با در نظر گرفتن آسیب‌های اجتماعی، عاطفی، اقتصادی و ... بعد از طلاق برای زوجین و فرزندان، از امر طلاق پشیمان شوند و به زندگی دوباره خود رجوع کنند. به بیان دیگر باید گفت بنا بر این که مطلقه رجعیه در حکم زوجه است و زوجین در این مدت موظفند

حقوق و تکالیف یکدیگر را محترم شمارند، این خود فرصتی برای آن‌ها، در بازگشت به زندگی دوباره است.

به دیگر سخن، می‌توان گفت خانواده به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی، مورد توجه شارع مقدس قرار گرفته است که برای حفظ کيان خانواده با تشریح احکام مختلف به این مهم توجه کند. بر این اساس، دوران عده در طلاق رجعی و حضور زوجین تا پایان عده در منزل مشترک و احکام مربوط به آن یکی از راه‌های جلوگیری از فروپاشی خانواده هاست؛ زیرا در طلاق رجعی، زوج بدون هیچ تشریفات می‌تواند به زوجه خود رجوع کند؛ و این مهم راهکاری برای بازگشت مجدد زوجین به زندگی مشترک است.

با توجه به توضیحات فوق و اهمیت طلاق رجعی در بقای خانواده، این سؤال مطرح می‌شود که طلاق رجعی در چه شرایط و به چه صورتی می‌تواند حکمت طلاق رجعی را محقق سازد و در حفظ کانون خانواده مؤثر باشد؟ علاوه بر این قانون‌گذار و دستگاه قضایی چه سیاستی در قبال طلاق رجعی اتخاذ کرده‌اند؟

کیفیت رجوع و نقش آن در طلاق رجعی

با توجه به توضیحاتی که ذکر گردید، در این که هدف طلاق رجعی، تلاش شرع برای بقای خانواده است، بحثی نیست؛ لکن آنچه که مطرح است، رجوع زوج به زوجه چگونه و به چه صورت می‌تواند در حفظ کانون خانواده اثر بخش باشد.

با توجه به مبانی قرآنی و روایی، آنچه که مدنظر شرع اسلام در طلاق رجعی و مؤثر بودن آن در بقای خانواده است، رجوع زوج به قصد اصلاح امور خانواده و زوجه است. بدین نحو که با رجوع به زندگی سابق خود بخواهد سرپرستی زوجه و فرزندان را بر عهده بگیرد و با آنها به شایستگی رفتار کند و نفقه و مسکن آن‌ها را تهیه کند. در این صورت، زوج با رجوع خود به زوجه می‌تواند از طلاق که منجر به فروپاشی خانواده می‌گردد، جلوگیری کند. با بررسی منابع قرآنی و روایی ملاحظه می‌شود که صراحتاً به کیفیت رجوع اشاره گردیده است:

۱- قرآن کریم: خداوند متعال در آیات متعدد، از رجوع به زنان به قصد ضرر رساندن

به آنها، نهی کرده است که می‌توان به آیات زیر اشاره کرد:

الف- آیه ۲۲۸ سوره بقره: «و همسران زنان مطلقه در رجوع به آنها سزاوارتر هستند، در صورتی که نیت سازش و اصلاح امور آنان را داشته باشند»^۱.

از اطلاق آیه استنباط می‌شود که زوج به تنهایی می‌تواند رجوع کند و زوجه را مجدداً به همسری درآورد، و به رضای او، عقد مجدد و شاهد گرفتن نیاز ندارد؛ لکن خداوند متعال تأکید می‌کند که اگر زوج قصد اصلاح داشته باشد، رجوع کند نه قصد اضرار (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۵۷۴).

ب- آیه ۲۲۹ سوره بقره: «طلاق که مرد می‌تواند در آن رجوع کند دو مرتبه است؛ پس آن‌گاه که طلاق داد، یا او را به شایستگی نگه دارد، یا او را به نیکی رها کند»^۲.

با توجه به آیه قبل که می‌فرماید این امکان وجود دارد که مرد در هر طلاق به قصد اضرار، به زن رجوع کند، خداوند متعال در این آیه، حق رجوع را محدود کرده، می‌فرماید تنها در دو بار طلاق، امکان رجوع وجود دارد و در طلاق سوم این حق برای مرد ساقط می‌شود.

بنابراین، طلاق که زوج را مالک رجوع می‌کند، تنها دو بار است. پس اگر زوج بعد از دو طلاق، به زوجه رجوع کرد، او را به شایستگی نگه دارد، یا بعد از انقضای عده او را رها کند و با رجوع به زوجه قصد اضرار به او را نداشته باشد (واحدی، ۱۴۱۵ هـ ج ۱، ص ۱۷۰).

پ- آیه ۲۳۱ سوره بقره: «و هر گاه زنان را طلاق دادید، باید تا نزدیک به پایان زمان عده یا آن‌ها را به خوشی و سازگاری نگاه دارید، یا به نیکی رها کنید و روا نیست که آن‌ها را به آزار نگاه دارید تا به آن‌ها ستم کنید. هر کس چنین کند، همانا بر خود ستم کرده است ...»^۳.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مجله علمی-ترویجی
فصلنامه علمی-ترویجی
فقه و حقوق خانواده

۱- «... وَ بَعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا».

۲- «الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ...».

۳- «وَ إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلِّغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَ لَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ...».

خداوند متعال در آیه مذکور، برای بار سوم با بیان دیگر تکرار می‌کند که اگر می‌خواهید رجوع کنید باید با معروف زنان را ننگه دارید و اگر بنای این کار را ندارید، به نیکی آنها را رها کنید، نه این که به قصد آزار به آنها رجوع کنید و آنها را ننگه دارید. پس زمانی که به قصد اضرار به آنها رجوع کند به‌راستی بر نفس خود ستم کرده و خود را در معرض غضب خداوند قرار داده است (کاشانی، ۱۳۱۳، ج ۲، ص ۲۴-۲۵).

۲- **روایات:** در روایات نیز بر رجوع با نیت بازگشت به زندگی دوباره و نیت خیر و سازش با زوجه خود تأکید گردیده و از رجوع با قصد آزار رساندن به زوجه نهی شده است. از باب نمونه می‌توان به روایات زیر اشاره کرد:

الف- حسن بن زیاد از امام صادق ع روایت کرده است که فرمود: سزاوار نیست برای مردی که همسرش را طلاق می‌دهد، به او رجوع کند، در حالی که به زوجه رغبتی ندارد و دوباره او را طلاق دهد؛ خداوند متعال از ضرر رساندن نهی کرده است، مگر کسی که زوجه‌اش را طلاق دهد، سپس رجوع کند و زوجه را به شایستگی نگاه دارد^۱ (حر عاملی، ۱۴۰۹ هـ، ج ۲۲، ص ۱۷۲-۱۷۱).

ب- حلبی نیز از امام صادق ع روایت کرده است که از حضرت سوال کردم: مقصود خداوند متعال از این که به واسطه رجوع در عده به زنان ضرر نرسانید، چیست؟ اما فرمود: مردی که زوجه‌اش را طلاق می‌دهد و هنگامی که نزدیک به پایان عده می‌رسد به زوجه رجوع می‌کند و سپس او را طلاق می‌دهد و تا سه مرتبه این کار را انجام می‌دهد، خداوند عز و جل از آن نهی کرده است^۲ (همان، ص ۱۷۲).

محمد بن مسلم نیز روایتی با همین مضمون از امام باقر و امام صادق روایت

۱- مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْبَزَنْطِيِّ عَنِ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرٍو عَنِ الْحَسَنِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ أَنْ يُطَلِّقَ امْرَأَتَهُ ثُمَّ يَرَا جَعَهَا - وَ لَيْسَ لَهُ فِيهَا حَاجَةٌ ثُمَّ يُطَلِّقَهَا - فَهَذَا الضَّرَّارُ الَّذِي نَهَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَنْهُ - إِلَّا أَنْ يُطَلِّقَ ثُمَّ يَرَا جَع - وَ هُوَ يَنْوِي الْإِمْسَاكَ.

۲- وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَنَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِنَعْتَدُوا - قَالَ الرَّجُلُ يُطَلِّقُ - حَتَّى إِذَا كَادَتْ أَنْ يَخْلُوَ أَجْلَهَا رَا جَعَهَا - ثُمَّ طَلَّقَهَا يَفْعَلُ ذَلِكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ - فَنَهَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَنْ ذَلِكَ.

کرده است^۱ (حر عاملی، ۱۴۰۹هـ ج ۲۲، ص ۱۷۲).

با توجه به ظاهر آیات و روایاتی که ذکر شد، باید گفت رجوع عملی است که در شرع جایز است و زوج می‌تواند بعد از طلاق به زوجه خود رجوع کند (طرابلسی، ۱۴۰۶هـ ج ۲، ص ۲۹۰). اما خداوند متعال صراحتاً رجوع زوج به زوجه را زمانی سزاوارتر از دیگران می‌داند که قصد زوج خیر و سازش با آنها باشد. بنابراین جواز رجوع مقید می‌شود به این که رجوع به زوجه برای اصلاح نکاح و امور زنان باشد نه به قصد اضرار به آنها (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۹۹).

مطابق آیات قرآن در صورتی که رجوع مردان به زنان به قصد اضرار به آنها باشد و به واسطه اضرار به زنان، آنها را در تنگنای نفقه و مسکن و.. قرار دهند، این حالت از مصادیق تعدی از حدود الهی است و هر کس از حدود خداوند تعدی کند، به نفس خود ظلم کرده است (راوندی، ۱۴۰۵هـ ج ۲، ص ۱۸۰).

با توجه به توضیحات فوق، در طلاق رجعی، مراجعت زوج به زوجه بدون تشریفات فراهم است؛ در نتیجه، بازگشت به حیات زوجیت به آسانی محقق می‌شود. باید گفت طلاق رجعی از جمله سیاست‌های دقیق و مترقی شرع اسلام برای جلوگیری از فروپاشی کانون خانواده است؛ لکن با توجه به مقاصد الشریعه در وضع حکم طلاق رجعی باید گفت رجوع زمانی می‌تواند در حفظ کانون خانواده نقش مؤثری داشته باشد که به قصد خیر و سازش و اصلاح خانواده باشد، نه آن که زوج با رجوع خود در انتهای عده زوجه، با طولانی کردن مدت عده، عدم پرداخت نفقه و.. قصد اضرار به زوجه را داشته باشد. البته باید توجه داشت که از نظر تکلیفی شرط اصلاح خواهی تنها شرط مباح بودن رجوع است؛ اما از نظر وضعی و اثر رجوع، به اجماع همه فقها زوج اگر به قصد آزار رساندن هم رجوع کند، دوباره حکم وضعی رجوع بر آن مترتب و نکاح به حالت قبل

۱- وَ عَنْ زُرَّارَةَ وَ حُمْرَانَ ابْنِ أَعْيَنَ وَ مُحَمَّدَ بْنَ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﴿ قَالَوا سَأَلْنَا هُمَا عَنْ قَوْلِهِ وَ لَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِيَتَعْتَدُوا قَالَا هُوَ الرَّجُلُ يُطَلِّقُ الْمَرْأَةَ تَطْلِيقَهُ وَ أَعِدَّةً - ثُمَّ يَدْعُهَا حَتَّى إِذَا كَانَ آخِرُ عِدَّتِهَا رَاجِعَهَا - ثُمَّ يُطَلِّقُهَا آخَرَى - فَيَتْرُكُهَا مِثْلَ ذَلِكَ فَتَنْهَى اللَّهُ عَنْ ذَلِكَ.﴾

برمی‌گردد/طوسی، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۹۹؛ حلی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۳۲۴؛ جبعی عاملی، ۱۴۱۳هـ.ج ۹، ص ۱۸۴؛ بحرانی، ۱۴۰۵هـ.ج ۲۵، ص ۳۵۷؛ سبزواری، ۱۴۱۳هـ.ج ۲۶، ص ۱۵۷؛ عاملی، ۱۴۲۷هـ.ج ۷، ص ۷۱).
لکن این گونه نیست که شرع دست مرد را به صورت مطلق باز گذاشته باشد و مرد در هر طلاق بتواند به زوجه رجوع کند؛ بلکه اگر این رجوع تا دوبار تکرار شود، در طلاق بار سوم، طلاق بائن می‌گردد و این حق از زوج گرفته می‌شود/ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸هـ.ج ۳، ص ۲۷۲).

سیاست قانون‌گذار در باره طلاق رجعی

مسئولان و تصمیم‌گیران جمهوری اسلامی ایران با توجه به اهمیت خانواده و دل‌نگرانی‌های آن، جهت تحکیم بنیان خانواده به عنوان کانون رشد و تعالی انسان، در حوزه تقنین، اقدام به وضع قوانین متعدد کرده‌اند. این مهم را می‌توان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز ملاحظه کرد، به گونه‌ای که در اصل دهم، خانواده را نهاد بنیادی جامعه اسلامی معرفی کرده، اظهار می‌دارد که تمامی قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد. همچنین در مقدمه قانون اساسی، خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان معرفی شده است. به همین دلیل، قوانین متعددی از جمله قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ در جهت حفظ کانون خانواده و کاهش طلاق مصوب گردیده است.

با بررسی قوانین ملاحظه می‌شود که با طرح گواهی عدم امکان سازش، مشاوره، داوری برای ایجاد فرصت در جهت بازگشت زوجین به زندگی زناشویی، به این مهم تا حدودی توجه شده است. همچنین سعی شده است رویه‌ها و روش‌هایی که در دادگاه‌ها وجود دارد و سبب بروز مشکلاتی برای مردم می‌شود، در قانون جدید مورد لحاظ قرار گیرد/هاشمی و شببانی، ۱۳۹۴، ص ۳۷-۳۸).

۱- **نقد سیاست تقنینی:** قانون‌گذار با پذیرش طلاق رجعی، در جهت تحکیم خانواده حرکت کرده است؛ زیرا با فراهم آوردن زمینه مراجعت زوجین بدون رعایت تشریفات و

کاستن آثار ناشی از نکاح مجدد، در واقع فرصتی را فراهم کرده است که هم زوجین در این مدت توانایی خود را به ادامه زندگی در حالت طلاق ارزیابی کنند و هم در صورت انصراف، سهولت در انصراف از ادامه زندگی داشته باشند؛ لکن همان گونه که ملاحظه می‌شود، قانون‌گذار در قوانین مربوط به طلاق رجعی، به خوبی به احکام آن توجه نکرده است و این ضعف موجب کوتاهی‌ها و عدم توجه صحیح به طلاق رجعی در محاکم گردیده است. به عنوان مثال، با بررسی مواد قانون مدنی مشاهده می‌شود که قانون‌گذار در خصوص سکونت مطلقه رجعیه در مدت عده، سکوت اختیار کرده است؛ در حالی که پرداختن به این مهم می‌تواند نقش بسزایی در کاهش طلاق داشته باشد. در تبصره ۴ ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۱ به الزامی دانستن گواهی کتبی سکونت زوجه مطلقه در منزل مشترک تا پایان عده اشاره گردیده است و همچنین در قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ نیز در ماده ۳۸ به سکونت مطلقه رجعیه در منزل مشترک اشاره کرده و ثبت طلاق را منوط به ارائه گواهی کتبی حداقل دو شاهد مبنی بر سکونت زوجه مطلقه در منزل مشترک کرده است؛ لکن در ادامه صرف رضایت زن را در ثبت طلاق کافی دانسته است؛ این خود شرایطی را برای عدم سکونت در منزل مشترک فراهم می‌آورد.

براین اساس، ملاحظه می‌شود که عدم توجه به طلاق رجعی و احکام آن (زندگی در منزل مشترک و ..) به عنوان یکی از راهکارهای بازگشت زوجین به زندگی سابق، با هدف قانون‌گذار که تلاش در حفظ کانون خانواده است، منافات دارد. در حال حاضر، زوجین با آگاهی داشتن از تشریفات طولانی طلاق رجعی، ترجیح می‌دهند با بذل تمام یا بخشی از حقوق خود با یکدیگر توافق کرده، به آسانی از یکدیگر جدا شوند؛ به همین سبب، شاهد افزایش طلاق‌ها از جمله طلاق توافقی (بائن) در جامعه هستیم.

در نهایت باید گفت هر چند قانون‌گذار، اختیاری در تبدیل طلاق ندارد تا با تبدیل طلاق بائن به رجعی، زوجین فرصتی برای بازگشت داشته باشند، و هر چند با طولانی کردن تشریفات دادرسی در محاکم و حتی غیر قطعی بودن آرای محاکم تجدیدنظر در مورد طلاق تا مرحله فرجامی، با خارج کردن سهولت در طلاق سعی کرده است تا آمار طلاق

را کاهش دهد، اما متأسفانه به دلایل مختلف از جمله ضعف فقهی و حقوقی در حوزه تقنین، موفقیت چشمگیری حاصل نشده است.

سیاست دستگاه قضا در باره طلاق رجعی

در آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های دستگاه قضا در حوزه خانواده، جز آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۳، توجه جدی به سختگیری در اجرای طلاق نشده است. در آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت خانواده نیز که در راستای این قانون به تصویب رسیده است، هر چند تشریفات طلاق از جمله ایجاد دادگاه خانواده، مراکز مشاوره خانوادگی، داوری در جهت کاهش طلاق مطرح شده است، لکن توجه خاصی به تشریفات طلاق رجعی و نظارت بر اجرای آنها نشده است؛ به گونه‌ای که زمانی که پرونده در دادگستری مختومه اعلام می‌شود، هیچ کس جز زوجین مسؤول اجرای تشریفات بعد از طلاق از جمله حضور زوجین در منزل مشترک و پرداخت نفقه توسط مرد نیستند و هیچ نهاد نظارتی برای اجرای این مهم وجود ندارد.

آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۳ که توسط دستگاه قضا به تصویب رسیده و در اختیار محاکم قضایی قرار گرفته است، تنها در ماده ۶۴ این آیین‌نامه، رضایت زن به ثبت طلاق رجعی را بدون گواهی کتبی حداقل دو شاهد برای حضور زوجه در منزل مشترک تا پایان عده، بیان کرده است؛ ولی متأسفانه بعد از اجرای صیغه طلاق در دفاتر طلاق، هیچ دستگاهی برای نظارت در اجرای این مهم وجود ندارد. در حالی که حضور زوجین در یک مکان می‌تواند فرصت بهتری برای بازگشت آن‌ها به زندگی زناشویی باشد. به نظر می‌رسد دستگاه قضا با وضع آیین‌نامه و بخشنامه‌هایی در این زمینه می‌تواند نظارت بر رعایت تشریفات طلاق رجعی را به عهده بگیرد.

سیاست محاکم درباره طلاق رجعی

قبل از بررسی سیاست محاکم در مورد طلاق رجعی قابل ذکر است که در دستگاه قضا قبل از سال ۱۳۷۳ طلاق زوجین با مراجعه به دادگاه صورت می‌گرفت و بعد از سال

۱۳۷۳ قرار دادن داور، مشاوره، مراجعه به دادگاه و اخذ گواهی از دادگاه (رای) تماماً در این راستا بود که طلاق به راحتی صورت نگیرد؛ لکن با تغییر شناسنامه و حذف نام زوجین در طلاق توافقی (بائن) از شناسنامه یکدیگر، موجب روند رو به رشد طلاق شد. در مورد سیاست محاکم در خصوص طلاق رجعی نیز باید گفت این سیاست به گونه‌ای است که اغلب در دادگاه‌ها مشاهده می‌شود که به دلایل مختلف از جمله وضعیت زوجه و نحوه رابطه زوجیت، توافق طرفین به طلاق با بذل مهریه، نفقه، اجرت‌المثل توسط زوجه و با داشتن آگاهی نسبت به تشریفات طلاق رجعی و رفتار قضات، اکثر طلاق‌ها به صورت طلاق بائن از نوع خلع واقع می‌شود. همچنین با توجه به وضعیت آمارهای موجود، اکثر طلاق‌ها در همان اوایل زندگی مشترک، زمانی که زوجه غیرمدخوله است، اتفاق می‌افتد، و این نوع طلاق نیز بائن است. به همین سبب قاضی یا قانون‌گذار قدرت تغییر نوع طلاق از بائن به رجعی را به این دلیل که امکان ادامه زندگی مشترک را فراهم کند، ندارد.

نکته قابل ذکر این است که وقتی زوجین به محاکم دادگستری مراجعه می‌کنند، با آگاهی داشتن از تشریفات طولانی طلاق رجعی، زوجه با بخشیدن تمام یا نیمی از حقوق خود سعی می‌کند سریعاً بین آنها جدایی حاصل شود، و قضات دادگستری به صرف این که زوجه حقوق خود را می‌بخشد، حکم به طلاق بائن از نوع خلع می‌دهند؛ در صورتی که قضات به کراهت زوجه که از شرایط صحت طلاق خلع است، توجهی نمی‌کنند. به همین سبب صدور بی‌مورد طلاق خلع بقای خانواده را با مشکل روبه رو می‌کند.

همچنین در محاکم دادگستری به وضوح مشاهده می‌شود بعد از حکم به طلاق رجعی و اجرای صیغه طلاق در دفاتر طلاق و ثبت آن و ارائه گواهی کتبی حداقل دو شاهد مبنی بر حضور زوجه در منزل مشترک تا پایان عده، طرفین جدا از همدیگر، به زندگی مشترک پایان می‌دهند؛ بدون این که نظارتی از طرف دادگاه برای اجرای تشریفات بعد از طلاق، و یا ضمانت اجرایی برای عدم حضور زوجین در منزل مشترک، وجود داشته باشد. این مهم باید توسط قانون‌گذار و دستگاه قضا مورد بررسی قرار گیرد تا با هدف قانون‌گذار که همان جلوگیری از فروپاشی نهاد خانواده است، راهکاری مهم در کاهش طلاق باشد.

یافته‌های پژوهش

- ۱- جهت حفظ و ادامه کانون خانواده، شرع اسلام راهکارهایی ارائه کرده است که طلاق رجعی یکی از آنهاست.
- ۲- با عنایت به ادله قرآنی و روایی، هرگاه در رجعی یا بائن بودن طلاق تردید شود، اصل بر رجعی بودن طلاق است؛ مگر در مواردی که استثنا گردیده و تصریح به بائن بودن طلاق شده باشد.
- ۳- دوران عده طلاق رجعی، فرصتی برای حل اختلافات زوجین و بازگشت به زندگی زناشویی است تا خانواده‌های شکل گرفته به آسانی از هم نگیسند. البته مطابق با آیات قرآن کریم و روایات در صورتی که رجوع زوج به زوجه در عده طلاق رجعی در جهت اصلاح امور خانواده باشد، رجوع می‌تواند نقش مؤثر و مثبتی را ایفا کند؛ و الا در صورت نگاه اضرار و آزار به زوجه با رجوع، این مهم محقق نمی‌شود؛ شارع نیز حق رجوع را حداکثر برای دو بار مجاز دانسته است تا از سوءاستفاده مرد جلوگیری کند.
- ۴- قانون‌گذار در قانون مدنی و قانون حمایت خانواده، طلاق رجعی را پذیرفته و به بیان برخی احکام آن پرداخته است؛ اما در برخی دیگر از احکام طلاق رجعی از جمله سکونت زوجه مطلقه در منزل مشترک، یا سکوت کرده و یا دقت لازم را نداشته است.
- ۵- در خصوص طلاق رجعی و احکام آن، دستگاه قضا به جز آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت خانواده که توجه جزئی به طلاق رجعی داشته است، به این مسأله توجه جامع و دقیقی نداشته است.
- ۶- در محاکم دادگستری نیز با عنایت به وضعیت زوجه و نحوه رابطه زوجیت، آگاهی زوجین از تشریفات طولانی طلاق رجعی و رفتار قضات، اکثر طلاق‌های صادر شده، طلاق بائن و از نوع خلع است که نیاز است با توجه به شرایط طلاق خلع و از طرفی اهمیت طلاق رجعی، در رویه خود تغییر ایجاد کنند.

پیشنهادها

۱- هر چند پژوهش حاضر در صدد این نیست که طلاق رجعی را تنها راه کاهش فروپاشی خانواده‌ها و یا راهکار صد در صد نتیجه‌بخش قلمداد کند، لکن طلاق رجعی را در صورت تحقق شرایط و ایجاد نظارت‌ها، قدمی مثبت در کاهش طلاق و بقای خانواده می‌داند؛ براین اساس، در راستای استفاده بهتر از این راهکار شرعی پیشنهادهای زیر را مطرح می‌کند:

۲- با توجه به فقدان نص قانونی در خصوص احکام طلاق رجعی مانند زندگی در منزل مشترک تا پایان عده، پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار با تصویب مواد قانونی و تبیین دقیق احکام آن در قانون مدنی و قانون حمایت خانواده در جهت پیشگیری از افزایش طلاق‌ها به بقای کانون خانواده‌ها کمک کند.

۳- قانون‌گذار اسلامی در جهت اجرای ماده ۲۸ قانون حمایت خانواده مرجعی نظارتی را برای اجرای این مهم پیش‌بینی کند تا زوجین بعد از ثبت طلاق در دفاتر ازدواج و طلاق در مدت عده در یک مکان زندگی نمایند؛ چه بسا این مهم نقش بسزایی در رجوع زوج به زوجه داشته باشد.

۴- قانون‌گذار صرفاً در ماده ۳۸ قانون حمایت خانواده، ثبت طلاق را منوط به ارائه گواهی کتبی مبنی بر سکونت زوجه مطلقه در منزل مشترک تا پایان عده کرده است. قرار دادن ضمانت اجرای خاص در اجرای این مهم می‌تواند در کاهش طلاق مؤثر باشد.

منابع

قرآن کریم

- اباذری فومشی، منصور، نحوه عملی رسیدگی به دعاوی خانوادگی در محاکم و دادرها (۱۳۸۵)، تهران، انتشارات خرسندی، چاپ دوم
- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب* (۱۴۱۴هـ)، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، چاپ سوم
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن* (۱۴۰۸هـ)، مشهد، آستان قدس رضوی - بنیاد پژوهش های اسلامی امامی، سیدحسن، حقوق مدنی (بی تا)، تهران، اسلامی، چاپ شانزدهم
- بحرانی، یوسف بن احمد (آل عصفور)، *الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة* (۱۴۰۵هـ)، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
- بلادی، سیدعباس، مدنی ۵- *حقوق خانواده* (۱۳۸۶)، تهران، انتشارات احسن
- جبعی عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، *الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه* (محمشی - کلانتر) (۱۴۱۰هـ)، قم، کتابفروشی داوری
- _____ *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام* (۱۴۱۳هـ)، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه جزری، مبارک بن محمد (ابن اثیر)، *النهایه فی غریب الحدیث و الأثر* (بی تا)، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *حقوق خانواده* (۱۳۷۶)، تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ چهارم
- حر عاملی، محمد بن حسن، *تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل المسائل الشرعیه* (۱۴۰۹هـ)، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام
- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (علامه)، *مختلف الشیعه فی احکام الشریعه* (۱۴۱۳هـ)، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم
- حلی، نجم الدین جعفر بن حسن (محقق)، *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام* (۱۴۰۸هـ)، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم

- حلی، جمال‌الدین، احمد بن محمد اسدی، *المقتصر من شرح المختصر* (۱۴۱۰هـ)، مشهد، مجمع البحوث الإسلامیه
- حلی، شمس‌الدین محمد بن شجاع القطان، *معالم الدین فی فقه آل یاسین دوره فقهیه کامله علی وفق مذهب الإمامیه* (۱۴۲۴هـ)، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام
- حلی، محمد بن حسن بن یوسف (فخرالمحققین)، *ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد* (۱۳۸۷هـ)، قم، مؤسسه اسماعیلیان
- حمیری، عبدالله بن جعفر، *قرب الإسناد ط الحدیثه* (۱۴۱۳هـ)، قم، مؤسسه آل‌البتیه علیهم السلام
- دینوری، عبد الله بن محمد، *تفسیر ابن وهب المسمی الواضح فی تفسیر القرآن الکریم* (۱۴۲۴هـ)، بیروت، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون
- راوندی، قطب‌الدین سعید بن عبدالله، *فقه القرآن* (۱۴۰۵هـ)، قم، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، چاپ دوم
- رفیعی، علی، *بررسی فقهی طلاق و آثار آن در حقوق زوجین* (۱۳۸۰)، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد
- ساروخانی، باقر، *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده* (۱۳۷۰)، تهران، انتشارات سروش
- سبزواری، سید عبدالاعلی، *مذهب الأحکام فی بیان الحلال و الحرام* (۱۴۱۳هـ)، قم، مؤسسه المنار . دفتر حضرت آیت الله، چاپ چهارم
- صفایی، سیدحسین و اسدالله امامی، *مختصر حقوق خانواده* (۱۳۸۷)، تهران، میزان، چاپ پانزدهم
- طاهری، حبیب الله، *حقوق مدنی* (۱۴۱۸هـ)، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم
- طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم، *تکمله العروه الوثقی* (۱۴۱۴هـ)، قم، کتابفروشی داورى
- طبرانی، سلیمان بن أحمد، *التفسیر الکبیر، التفسیر القرآن العظیم* (۲۰۰۸)، اردن، دار الکتب الثقافی
- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن* (۱۳۷۲)، تهران، ناصر خسرو، چاپ سوم

- طرابلسی، قاضی عبدالعزیز (ابن براج)، *المذهب* (۱۴۰۶هـ)، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
- طوسی، أبو جعفر محمد بن حسن، *النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی* (۱۴۰۰هـ)، بیروت، دار الکتب العربی، چاپ دوم
- _____ *المبسوط فی فقه الإمامیه* (۱۳۸۷هـ)، تهران، المکتبه المرتضویه لإحیا الآثار الجعفریه، چاپ سوم
- عاملی، سید محمد حسین ترحینی، *الزبدہ الفقہیہ فی شرح الروضه البهیہ* (۱۴۲۷هـ)، قم، دار الفقه للطباعه و النشر
- عاملی، محمد بن علی موسوی، *نهایه المرام فی شرح مختصر شرائع الإسلام* (۱۴۱۳هـ)، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
- عاملی، محمد بن مکی (شهید اول)، *اللمعه دمشقیه فی فقه الإمامیه* (۱۴۱۰هـ)، بیروت، دار التراث دارالإسلامیه
- قزوینی، ملاعلی قاریوزآبادی، *صیغ العقود و الإیقات (محمشی)* (۱۴۱۴هـ)، قم، انتشارات شکوری کاشانی، فتح الله بن شکرالله، *منهج الصادقین فی الزام المخالفین* (۱۳۱۳)، تهران، کتابفروشی اسلامیة
- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، *الکافی* (۱۴۰۷هـ)، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم
- مازندرانی خاتون آبادی خواجه، محمد اسماعیل، *جامع الشتات* (۱۴۱۸هـ)، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
- موسوی خویی، سید ابوالقاسم، *منهاج الصالحین* (۱۴۱۰هـ)، قم، نشر مدینه العلم، چاپ بیست و هشتم
- مؤمن سبزواری، محمد باقر بن محمد (محقق)، *کفایه الأحکام* (۱۴۲۳هـ)، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
- میبدی، ابوالفضل احمد بن محمد، *کشف الأسرار و عده الأبرار* (معروف به *تفسیر خواجه عبد الله انصاری*) (۱۳۷۱)، تهران، امیر کبیر، چاپ پنجم
- نجفی، محمد حسن، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام* (۱۴۰۴هـ)، بیروت، دار إحیا التراث العربی، چاپ هفتم
- واحدی، علی بن احمد، *الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز* (۱۴۱۵هـ)، لبنان، دار القلم

واسطی زبیدی حنفی، محب‌الدین سیدمحمد مرتضی حسینی، تاج العروس من جواهر القاموس
(۱۴۱۴هـ)، بیروت - لبنان، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع
هاشمی، سیدمحمد و زهره شیبانی، «نوآوری های قانون حمایت از خانواده ۱۳۹۱ در ارتباط
با حمایت از زوجه و پیشگیری از آثار سوء طلاق بر زنان» (۱۳۹۴)، فصلنامه علمی
ترویجی پلیس زن، دوره دهم، شماره ۲۴، بهار و تابستان

